

سرمقاله / کنفرانس «ایمان و کفر» در آنکارا

پدیدآورنده (ها) : واعظ زاده خراسانی، محمد

علوم قرآن و حدیث :: نشریه مشکوة :: زمستان ۱۳۷۴ - شماره ۴۹ (ISC)

صفحات : از ۴ تا ۱۹

آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/52914>

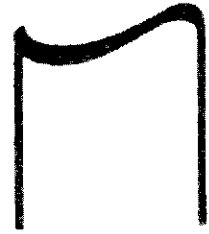
تاریخ داندود : ۱۴۰۵/۰۱/۱۶

کاربر گرامی، فایل داندود شده فقط برای استفاده شخصی است، از نشر آن خودداری فرمایید.

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه **قوانین و مقررات** استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



- مقوله کفر و ایمان در اندیشه عین القضاة همدانی و مولانا
- نقش ایمان و کفر در سعادت و شقاوت انسان
- حقیقت ایمان و کفر در «شرح اصول الکافی»، از منظر ملا صالح مازندرانی
- بررسی مفهوم ایمان و کفر در قرآن کریم و معرفی روش های نوآورانه در آموزش زبان عربی
- مطالعه تطبیقی استعاره های مفهومی ایمان و کفر در قرآن و نهج البلاغه
- بررسی تطبیقی دیدگاه اشاعره و سلفیه در خصوص معنا و ماهیت ایمان و کفر
- تکفیر: مبانی و نقد؛ ایمان و کفر در قرائت تکفیری ها
- ایمان و کفر دو مرحله ای در قرآن
- بررسی تطبیقی منابع قدرت سیاسی جبهه ی کفر و ایمان در قرآن کریم
- سرمقاله: ما به این در نه پی حشمت و جاه آمده ایم



لله عاقبة الأمر

کنفرانس «ایمان و کفر» در آنکارا

دیرزمانی است که از سوی وهابیه (یا سلفیه) بسیاری از اعمال و عقاید مسلمانها به باد انتقاد گرفته می‌شود، و در سالهای اخیر شدت پیدا کرده است. این فرقه، خیلی آسان، مسلمانها را تکفیر کرده یا به آنان بدعت‌گذاری در دین نسبت می‌دهند. این تهمتهای ناروا نه تنها نثار شیعیان و پیروان اهل بیت علیهم‌السلام می‌گردد، که پیروان مذاهب معروف اهل سنت و بخصوص عارفان و اهل سیر و سلوک و ارباب طریقت را که در بین اهل سنت فراوان هستند، در برمی‌گیرد. و در یک کلام، وهابیت بجز اقلیت ناچیز مسلک خود، اکثر مسلمانان را کافر و مشرک و دست کم مُبدع می‌داند و مذاهب را بدعت می‌انگارد.

اگر آنان در حال حاضر صریحاً به این مطلب اعتراف نمی‌کنند، اما باطناً و در لفاظیه گفتار و رفتار خود، بخصوص در ایام حج عقیده‌شان را ابراز می‌دارند و حتی دربارهٔ برخی از مذاهب فتوا صادر می‌کنند. آنان در آغاز دعوی محمدبن عبدالوهاب (م ۱۲۰۶ هـ) مسلمانان را مهدورالدم دانسته هر جا قدم می‌گذارند بر مال و جان مسلمانها در عربستان و در عراق به بهانهٔ مشرک بودن رحم نکرده، آنان را قتل عام می‌کردند هر چند، دستگاههای تبلیغاتی ایشان فعلاً این حقیقت را انکار می‌کنند ولی در تاریخ ثبت گردیده است و هم اکنون نیز نمونه‌هایی از آن گاه به گاه دیده می‌شود.

پس وهابیت، با این نگرش خاص خود س‌د راه وحدت اسلامی است و همواره سنگ تفرقه در بین مسلمین می‌اندازد. «مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی» در راستای اهداف مقدس خود و به جهت جلوگیری از شکستن صف وحدت اسلامی و از تفرقهٔ بیشتر مسلمانها به منظور تبیین معیار و ملاک ایمان و کفر در کتاب و سنت و در فقه از دیدگاه مذاهب اسلامی،

تصمیم گرفت طی یک کنفرانس علمی با شرکت عده‌ای از علمای مذاهب اسلامی، این مسأله مهم و حیاتی را مورد بررسی و بحث قرار دهد. لهذا این مجمع با همیاری رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، در خرداد ماه گذشته، کنفرانسی تحت عنوان «ایمان و کفر در کتاب و سنت» در شهر آنکارا، با شرکت چند تن از استادان ایران و ترکیه و با حضور بیش از ۲۰۰ تن از دانشوران آن کشور برگزار کرد با شش محور کلی به شرح زیر:

- ۱- اسلام و دعائم آن.
 - ۲- موجبات کفر از دیدگاه مذاهب اسلامی.
 - ۳- فرق میان مسلمان و مؤمن.
 - ۴- فرق میان کفر، فسق و شرک.
 - ۵- مفهوم سنت و بدعت در اسلام.
 - ۶- نقش التزام به احکام اسلام در وحدت و همبستگی اسلامی.
- در این کنفرانس از ایران پنج تن به شرح زیر سخنرانی کردند:
- ۱- آیه‌الله جعفر سبحانی با عنوان «میزان اسلام و کفر».
 - ۲- حجة الاسلام والمسلمین استاد سید مصطفی محقق داماد زیر عنوان «حقیقت ایمان در کلام و فقه اسلام».
 - ۳- دکتر محمد حسین تبرائیان تحت عنوان «فیصل التفرقة بین الایمان و الکفر».
 - ۴- حجة الاسلام سید جعفر حکیم زیر عنوان «حدود الایمان و الکفر فی القرآن و السنة».
 - ۵- اینجانب محمد واعظزاده خراسانی به عنوان «سنت و بدعت در اسلام».
- علاوه بر این در آغاز کنفرانس، آقای زکریا طرزی، رایزن فرهنگی ایران راجع به نیاز مسلمانها به تفاهم و همبستگی، آقای محمدرضا باقری سفیر جمهوری اسلامی ایران درباره نقش سیاسی تقریب در ایجاد وحدت در جهان اسلام و همچنین اینجانب درباره جایگاه وحدت در آیات قرآنی و توصیه علمای اسلام به تمسک به مشترکات اسلام و تشکیل جبهه واحد در برابر جبهه کفر. و نیز آقای محمد نوری ییلماز رئیس سازمان دیانت ترکیه در خصوص نقش هماهنگی با ارکان اسلامی در تکوین وحدت اسلامی سخنرانی ایراد کردیم.
- از استادان دانشگاههای ترکیه بجز آقای ییلماز که از دانشمندان آن مرز و بوم است هشت تن به شرح زیر سخنرانی کردند:

- ۱- آقای پروفیسور چتین استاد دانشکده الهیات دانشگاه مرمره راجع به «نقش دشمنان اسلام در ایجاد عداوت میان مسلمانان».
 - ۲- آقای پرفیسور عبدالقادر قره‌خان استاد کهنسال دانشگاه استانبول راجع به لزوم اهتمام به مشترکات اسلامی.
 - ۳- حجة الاسلام صلاح‌الدین اوز‌گوندوز پیشوای شیعیان استانبول در «وحدت اسلامی از دیدگاه قرآن».
 - ۴- دکتر اسماعیل صفا اوستون، راجع به «مشروعیت در دولت عثمانی قرن شانزدهم و زنده».
 - ۵- آقای مصطفی اوز، دانشیار دانشکده الهیات دانشگاه مرمره استانبول راجع به «مفهوم اسلام و ایمان و مؤمن و مسلمان».
 - ۶- دکتر یوسف شوقی یاووز، دانشیار دانشکده الهیات دانشگاه آنکارا راجع به مفاهیم «اهل سنت و اهل بدعت».
 - ۷- آقای دکتر الیاس اوزوم راجع به «فرق مسلمان و مؤمن».
 - ۸- آقای یارشار کاپلان در «ابعاد مفاهیم سنت و بدعت».
- این سخنرانیها به یکی از زبانهای ترکی و فارسی و عربی ایراد می‌گردید و توسط یکی از علمای فارغ‌التحصیل حوزه قم از اهالی ترکیه، با نهایت استادی به دو زبان فارسی و ترکی ترجمه می‌شد.
- در جلسه نهایی، بحث و انتقادات نیز ترجمه و شد و در پایان، توسط یکی از اساتید ایرانی مطالب مورد بحث جمع‌بندی گردید و بیانیه پایانی قرائت گردید در این بیانیه از زبان حاضران آمده بود:
- ۱- تمامی گویندگان «لا اله الا الله محمد رسول الله و معتقدین به خاتمیت پیغمبر اسلام» مسلمان و از اخوت اسلامی برخوردارند.
 - ۲- هرگونه کوشش از سوی قدرتهای استکباری در جهت ایجاد تفرقه میان مذاهب اسلامی اعم از حنفی، شافعی، مالکی، حنبلی، اثنی‌عشری، زیدی و دیگر مذاهب معروف را محکوم نموده و از مسلمانها می‌خواهند در برابر توطئه اجانب مقاومت نمایند.
 - ۳- فتاوی صادره از سوی برخی عناصر وابسته به دولتهای استکباری مبنی بر تکفیر

پیروان این مذاهب را شدیداً محکوم نموده، این قبیل تکفیرها را برخلاف اصول مسلم و قطعی اسلامی می‌دانند.

۴ - شرکت‌کنندگان، خواهان تشکیل این قبیل کنفرانسهای خداپسندانه و چاپ و نشر سخنرانیها و گفتگوهای سمپوزیوم جهت توسعه و تحکیم فکر تقریب مذاهب و وحدت اسلامی میان مسلمانان، و نیز گسترش روح تسامح و حسن سلوک و خوشبینی میان علما و رهبران مسلمان می‌باشند.

۵ - حاضران در سمینار خواستار تشکیل مراکز علمی - تحقیقی و تبادل نظر میان علمای مذاهب بوده، بر افتتاح باب اجتهاد در سطحی وسیع میان مذاهب اسلامی، تأکید داشته، این امر را وسیله تقریب مذاهب و رفع بدگمانی و تهمت‌های ناروا از میان پیروان اسلام می‌دانند.

۶ - حاضران در سمینار تجاوز و خونریزی در بوسنی هرزگوین، چچن، کشمیر، افغانستان، فلسطین و دیگر نقاط اسلامی را محکوم نموده خواهان برقراری آرامش در این کشورها و احقاق حق مظلومان و ستمدیدگان در سراسر کشورهای اسلامی می‌باشند.

۷ - حرکت‌های مرموز تفرقه افکنانه و ترورهای پیاپی در کشور پاکستان که به قصد تفرقه میان مسلمین صورت می‌گیرد از سوی سمپوزیوم شدیداً محکوم می‌گردد.

در حاشیه کنفرانس چند بار در محل کنفرانس و در سفارتخانه ایران و در سازمان دیانت ترکیه با آقای محمد نوری بیلماز رئیس اداره دیانت که عالیترین مقام روحانی کشور ترکیه است تماس گرفتیم و اینجانب از وی دعوت کردم که از ایران دیدن نماید و او چند هفته پیش از این به این دعوت پاسخ گفت و به ایران آمد که شرح آن از حوصله این مقاله خارج است. ایشان در سخنرانی خود صریحاً به وهابیت حمله کرد و آن را عامل افتراق مسلمین دانست. در بیان تشکیلات وسیع اداره دیانت ترکیه گفت: «این اداره سومین بودجه را پس از وزارت کشور و آموزش و پرورش و دانشگاهها، از دولت دریافت می‌نماید. در داخل کشور هفتاد هزار مسجد را با امام و مؤذن و کارکنان اداری و یکهزار مسجد را با تمام هزینه‌ها در خارج کشور اداره می‌کند». بدیهی است که این تشکیلات گسترده و منظم مردم ترکیه را به سوی اسلام راهنمایی نماید و ما به رأی‌العین اثر این تشکیلات را در اجتماع انبوه مردم هنگام نماز بخصوص نماز جمعه و در مساجد نوینباد و در محلات و بخشهای جدید آنکارا، استانبول، قونیه و شهرها و دهات بین راه لمس کردیم. کما اینکه در حجاج

ترکیه نیز کاملاً مشهود است. این جانب حدود ۲۵ سال پیش از این، این شهرها را دیده بودم و اینک مشاهده کردم پاپای گسترش این شهرها، مساجد عظیم با مناره‌های سر به آسمان کشیده بنا شده است. هنگام ورود به آنکارا صدها مسجد نوساز در دو طرف جاده جلب نظر می‌کرد. اما شهر استانبول که از قدیم به «شهر هزار مناره» شهرت دارد، در حال حاضر از چهار سمت گسترش یافته و جابجا از دور و نزدیک مساجد جدید به چشم می‌خورد.

و این درس عبرتی برای ما باید باشد که در تهران مساجد در چشم‌انداز عابران قرار ندارد، و بارها میهمانان شرکت‌کننده از کشورهای دیگر در کنفرانس وحدت تهران به ما گفته‌اند: چرا در تهران مسجد دیده نمی‌شود مگر مردم نماز نمی‌خوانند؛ و این مسأله درخور مقاله‌ای جداگانه است.

باری پس از ختم کنفرانس یک روز راهی قونیه شدیم. در محل دارالافتاء، مسجد بسیار عظیم بنا نهاده بودند که در شرف افتتاح بود، زیارت آرامگاه مولانا و موزه و کتابخانه عظیم آن و نیز آرامگاه شمس تبریزی و علامه صدرالدین قونوی و نیز دیدار از مدرسه آموزش و حفظ قرآن در حوالی شهر که در آن هشتصد جوان در سنین مختلف مشغول فراگیری و حفظ قرآن بودند و سالانه ۳۴ حافظ قرآن از آن فارغ‌التحصیل می‌شوند، همه برای ما تازگی داشت و از کشوری با مرام لائیک انتظار نمی‌رفت.

در استانبول نیز از مساجد متعدد از جمله «ایاصوفیا» دیدن کردیم و در مجلس عزاداری شیعیان در محل «زینیبه» شرکت نمودیم که هر کدام نیاز به شرح و بسط دارد. اجتماع صدهزار نفری حزب رفاه و تظاهرات آنان در شب دوم محرم در استانبول به مناسبت پانصدمین سال فتح قسطنطنیه توسط سلطان محمد فاتح، نوید احیای مجدد حماسه اسلامی را در آن کشور می‌داد.

در پایان این گزارش، فرصت را مغتنم شمرده راجع به کیفیت آموزش ائمه و خطبا و روحانیان ترکیه توضیح می‌دهد.

روحانیان غالباً یا تماماً آموزش خود را از همین مدارس آموزش قرآن که در سراسر ترکیه صدها از آن وجود دارد آغاز می‌کنند. این مدارس دولتی نیست بلکه مردم با دادن شهریه، فرزندان خود را جهت آموزش و حفظ قرآن به آن مدارس می‌فرستند و غالباً شبانه‌روزی است پس از پنج یا شش سال، کودکان قرآن را حفظ و در حد مدرسه ابتدایی

معلومات مقدماتی را کسب می‌کنند، آنگاه به مدارس «امام خطیب» وارد می‌شوند و مدت شش سال علوم دینی و زبان عربی می‌آموزند و از آنجا دیپلم می‌گیرند و با استخدام در ادارهٔ دیانت، به شغل امامت جمعه و خطابه می‌پردازند. عده‌ای از آنان به دانشکدهٔ الهیات که به تعداد ۲۵ تا در ترکیه وجود دارد داخل می‌شوند و در مقاطع مختلف لیسانس، فوق لیسانس و دکترا پیش می‌روند. علمای بزرگ و محققان اسلامی ترکیه از میان همین فارغ‌التحصیلان دانشکده‌های الهیات برمی‌خیزند. این است دورنمایی از تشکیلات دینی و روحانی ترکیه. و اینک متن سخنرانی اینجانب:

سنت و بدعت در اسلام

سنت و بدعت، دو اصطلاح شرعی و فقهی اسلامی هستند که یکی پسندیده و مورد تأکید اسلام است، و دیگری یعنی بدعت ناپسند و مورد نهي و منع اکید است. با این که مفهوم این دو لفظ اجمالاً در ذهن هر مسلمانی واضح است، اما از لحاظ مصادیق و موارد، دچار سردرگمی و اشتباه و اختلاط می‌باشد و لازم است مورد بحث قرار گیرد.

اهمیت این بحث

مشخص نبودن موارد و مصادیق سنت و بدعت، در بین مذاهب و فرق اسلامی باعث سوءظن پیروان این مذاهب به یکدیگر و بلکه موجب تفسیق و تکفیر یکدیگر گردیده است. هر کسی عمل دیگری را بدعت می‌شمارد و هر کدام دیگری را بدعتگذار می‌نامد. پیداست بدعتگذار هم از لحاظ اسلام در ردیف کافر و مرتد می‌باشد.

بیشترین بدبینیها و تهمتهای ناروای فرق اسلام به یکدیگر ناشی از همین امر است. بحث وافق و کافی راجع به سنت و بدعت و تشخیص موارد و مصادیق هر کدام، این بدبینیها را کم می‌کند، روشن کردن نقطه نظر مذاهب در این مورد، افکار را روشن و اتهامات را برطرف می‌نماید.

بدیهی است که این سوءظن‌ها و تهمتهای یکی از اسباب و بلکه از مهمترین اسباب تفرقه میان مسلمین و سبب فقدان روح اخوت و وحدت اسلامی است، و تا این سبب تفرقه رفع نگردد، تفرقه بین مسلمانها همچنان باقی است و لهذا طرفداران تقریب مذاهب و وحدت

اسلامی، باید بیش از دیگران به این امر مهم و حیاتی یعنی تبیین صحیح سنتها و بدعتها در اسلام، همت گمارند.

بدگمانی گناه و تحقیق واجب است

نظر به همین نکته خداوند در سوره حجرات (آیه ۱۰)، از یک سو بر اخوت مؤمنین تأکید می‌کند (إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ) و از سوی دیگر سوء ظن و بدگمانی را مردود و تحقیق و جستجو از صحت و سقم آنچه را که راجع به دیگران نقل می‌شود واجب دانسته است. راجع به سوء ظن می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ» (حجرات ۱۲) درباره تحقیق از خبرها می‌گوید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا أَن تُصِيبُوا قَوْمًا بِجَهَالَةٍ فَتُصْحَبُوا عَلَىٰ مَا فَعَلْتُمْ نَادِمِينَ» (حجرات ۶/)

این آیه راجع به خبر ارتداد قومی خاص آمده ولی حکم آن کلیت دارد. حال همان‌طور که راجع به خبر ارتداد قومی باید تحقیق شود و تحقیق ناکرده نباید بر آن قوم هجوم بیاورند، اگر از یک مذهب اسلامی عقیده‌ای را بشنوند باید تحقیق کنند و بدون تحقیق به آن مذهب هجوم نیاورند. و آن مذهب را بدعت ندانند.

مرحوم علامه کاشف الغطاء مقاله‌ای تحت عنوان «التَّشْبِيتُ قَبْلَ الْحُكْمِ» در مجله رساله الاسلام دارد که بسیار مهم است و بی‌شمار از تهمت‌های مذاهب به یکدیگر را ناشی از عدم تحقیق و بررسی می‌داند.

در سوره حجرات، قرآن حکم جنگ و درگیری میان دو طایفه از مسلمین را بیان می‌کند و نیز از غیبت مسلمان، مسخره کردن مسلمان، لقبها و نامهای ناشایسته به دیگران دادن منع نموده است بنابراین باید سوره حجرات را سوره «وحدت و اخوت» نامید.

معنی لغوی و شرعی سنت و بدعت

این دو لفظ سنت و بدعت مانند بسیاری از الفاظ دیگر در اسلام از معانی لغوی خود تدریجاً به معانی شرعی منتقل گردیده‌اند. سنت، در لغت راه و روش و طریق و طریقت است، راه، طریق محسوس و روش، امری معنوی است. معمولاً الفاظ ابتداءً برای محسوسات وضع گردیده و بعداً در معنویات به کار رفته‌اند. حال می‌توان گفت سنت در معنی دوم یعنی

سنت

«روش» بیشتر به کار می‌رود: «سَنُّ سَنَّةً» یعنی روشی را به وجود آورد. البته سنت به معنی عام هر روشی را شامل می‌شود اما در اصطلاح شریعت، به معنی خاصی که همان سنّة الرسول ﷺ است به کار می‌رود و مراد از آن کلیّۀ آداب و رسوم شرعی است.

کلمۀ سنت هر چند به طور مطلق بیاید مراد از آن [سنّة النبی ﷺ] است در روایات نبوی گاهی با اضافه می‌آید مانند «التَّكَاخُ سَنَّتِي فَمَنْ رَغِبَ عَنْ سَنَّتِي فَلَيْسَ مِنِّي» و گاهی بطور مطلق در حدیث آمده است (ما مِنْ شَيْءٍ إِلَّا وَفِيهِ كِتَابٌ أَوْ سَنَةٌ) (کافی ج ۱ باب فضل العلم). بلی اصطلاح سنت که میان همهٔ مسلمین شایع است و در لسان فقها در ردیف کتاب، در دو اصل از اصول شریعت آمده است، در اصل به معنی همان سنّة النبی ﷺ است، اما بعداً (اهل سنت) فتوای صحابه را بر آن افزودند کما این که شیعه گفتار ائمهٔ اهل بیت علیهم السلام را هم سنت می‌داند و هر کدام برای خود دلیل دارند، دلیل شیعه همان حدیث معروف و متواتر تقلین است که پیغمبر ﷺ فرمود: «إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ التَّقْلِينَ كِتَابَ اللَّهِ وَعِثْرَتِي» این حدیث در موطأ مالک به طور مرسل (کتاب الله و سنتی) آمده است و خود به بحث مفصّلی نیاز دارد تا دیدگاههای طرفین یعنی اهل سنت و شیعه در معیار سنت روشن شود و این بحث در تشخیص مصادیق سنت بسیار موثر است.

اما بدعت در لغت به معنی امر جدید و بی سابقه است (أبدع الأمر، أي أتى به من دون سابقة).

بدیع، از اوصاف خدا است (بَدِيعُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ) (بقره ۱۱۷ و انعام ۱۰۱) یعنی کسی که آسمان و زمین را بدون سابقه و الگو آفریده، کارهای خدا همه بدیع است. بدعت، در لغت به معنی کار تازه و ابتکاری می‌آید و به کارهای بد اختصاص ندارد، کما این که سنت هم در لغت به کارهای خوب اختصاص ندارد اما در شریعت، سنت مخصوص کارهای خوب و بدعت خاص کارهای بد است.

پس سنت و بدعت در شرع اسلام دو امر متضادند مانند واجب و حرام، طاعت و عصیان، تقوی و طغیان، حسنه و سیئه، معروف و منکر، حق و باطل، ایمان و کفر و امثال آنها.

سنت و بدعت در کتاب و سنت

در قرآن، این دو کلمه به معنی شایع مورد نظر ما نیامده است. در حالی که معروف و

منکر، حسنه و سيئه و ديگر کلمات ياد شده به همين معاني رايج در قرآن آمده است، سنت در قرآن به معنی سنتهای خدا در امر خلقت آمده، «سنة الله في الذين خلوا من قبل ولن تجد لسنة الله تبديلاً» (احزاب / ۶۲).

بلی اصل حجیت و سندیت قول رسول ﷺ در قرآن آمده است: «ما آتاكم الرسول فخذوه و ما نهاكم عنه فانتهوا»، «أطيعوا الله و أطيعوا الرسول» سنت رسول، بعنوان «اسوة» هم آمده است «لقد كان لكم في رسول الله أسوة حسنة».

اما بدعت، در قرآن (سورة احقاف / ۹) چنین است: «قل ما كنت بديعاً من الرسل» بگو من در زمرة پيغمبران بى سابقه نيستم و پيش از من پيغمبرانى آمده اند. در سورة (حديد / ۲۷) راجع به پيروان حضرت عيسى عليه السلام مى گويد: «وجعلنا في قلوب الذين اتبعوه رافة و رحمة و زهانية ابتدعوها ما كتبناها عليهم الا ابتغاء رضوان الله...» كلمه «ابتدعوها» در اين آيه به معنی كار بد به كار نرفته است و الا خداوند آن را قبول نمى فرمود. پس بدعت هم مانند سنت به معنی رايج در قرآن نيامده است.

اما سنت و بدعت به معنی رايج و مصطلح در روايات فراوان آمده است از جمله گاهى با هم، و به همان معنی متضاد آمده است مانند حديث معروف «ما ترك سنة الا عمل بها بدعة» در حديث ابن مسعود از رسول اکرم ﷺ نقل شده است: «سيلي أموركم بعدى رجال يطفتون السنة بالبدعة» (جامع العلوم ص ۳۳۲).

گاهی در روايات به جای کلمه «بدعت» کلمه مُحَدَّث و مُحَدَّثَات به کار رفته، مانند حديث معروف عايشه از رسول خدا ﷺ: (مَنْ أَخَذَ فِي أَمْرِنَا هَذَا مَالِيَسَ مِنْهُ فَهُوَ رِدٌّ) (جامع العلوم ص ۸۱).

و نیز در نهج البلاغه (خطبه ۱۴۵) آمده است: «ما أحدثت بدعة إلا تركت بها سنة، فاتقوا البدع و ألتزموا المهتج إن عوازم الأمور أفضلها، و إن محدثاتها شرارها».

مفهوم و مصداق سنت و بدعت

با توجه به آنچه گفته شد تقريباً مفهوم اين دو لفظ روشن شد، هر چه از رسول اکرم ﷺ مایه گرفته و در گفتار یا رفتار (و یا تقرير) آن حضرت آمده و در کتاب و سنت اصل دارد، سنت است و آنچه اصل ندارد و از سوی مردم وضع شده بدعت است. در میان مسلمانها در

این دو مفهوم اختلافی نیست، و ما می‌توانیم آن دو را چنین تعریف کنیم: «کلّ ما كان له أصل في الشريعة فهو سنّة، و کلّ ما ليس له أصل في الشريعة فهو بدعة».

اختلاف عمده در مصادیق سنّت و بدعت است که عمدتاً ناشی از اختلاف مجتهدین در آراء فقهی ایشان است مانند این که: آیا ساختن بارگاه بر قبور اولیا، شدّ رحال و سفر کردن برای زیارت قبور پیغمبر ﷺ و ائمه و اولیاء، تبرک به آثار پیغمبر و اولیاء، توسل به آنان - مسائلی که مورد اختلاف میان مذاهب و سلفیه می‌باشد - آیا بدعت است یا سنّت؟

آیا گفتن آمین بعد از حمد، دست بسته نماز خواندن، گفتن «الصلاة خير من النوم» در اذان صبح، اذان دوم در روز جمعه و بسیاری از مسائل مورد اختلاف میان مذاهب فقهی از جمله میان مذاهب اهل سنت و شیعه که در کتابهای فقهی آمده، سنت‌اند یا بدعت؟ این قبیل اختلافات حتی در یک مذهب هم بین فقها وجود دارد، مسلماً هیچ یک از فقها حق ندارد در این قبیل مسائل اجتهادی نسبت بدعت به مذهب دیگر بدهد، زیرا اجتهاد در مسائل فرعی و جانبی را اسلام پذیرفته، پس اختلاف را هم باید بپذیرد، زیرا استنباط و فهم فقها و نحوه استنباط آنان از مدارک، و نیز تشخیص حدیث صحیح از سقیم و معیار صحت و سقم احادیث و جرح و تعدیل راویان، مختلف است، کما این که در حجیت برخی از ادله مانند قیاس، استحسان، اجماع و امثال آنها با هم اختلاف دارند. این قبیل اختلافات به اصطلاح «مبنائی» است و هیچ‌گاه رفع نخواهد شد، اما با تبادل نظر علمی و گفتگوهای سازنده و سالم فقهی مذاهب با یکدیگر، ممکن است تدریجاً نقطه نظرها به هم نزدیک و یا پاره‌ای از اختلاف نظرها، رفع یا کم شود. این کاری است که ما در مجمع جهانی تقریب آن را دنبال می‌کنیم.

اگر این کار خوب دنبال شود بر فرض اختلافات رفع نشود (که نخواهد شد) لا اقل جسّ احترام متقابل و روح تفاهم و حُسن ظن میان صاحب نظران در مذاهب فقهی رشد می‌کند و دشمنی به دوستی مبدل می‌گردد.

در این قبیل مسائل اجتهادی، نباید کسی دیگری را به بدعت نسبت دهد. عجیب است که آقای شیخ محمد ناصرالدین البائی، نویسنده معروف سلفی گویا به این نکته پی نبرده و کتابهایی تحت عنوان (البدع عند الشافعية) (البدع عند الحنفية) و هكذا تألیف کرده است. بسیاری از بدعتهایی که هم اکنون به مذاهب شیعه و یا به سایر مذاهب از سوی وهابیت

نسبت داده می‌شود از همین قبیل است، آنان هر کدام در مذهب خود بر حرف خود دلیل دارند. شیعه به روایات ائمه اهل بیت به حکم حدیث (کتاب الله و عترتی) تمسک می‌کنند، اهل سنت به اقوال صحابه استدلال می‌کنند.

تا وقتی که ادله فریقین به صورت قطعی باطل نشده، نمی‌توان آنان را بدعتگذار دانست و من فکر نمی‌کنم به این زودی یکی از دو طرف بتواند دیگری را به بطلان مبانی و ادله معتبر نزد او قانع نماید. پس راه بهتر همان حسن تفاهم و تبادل نظر است نه نسبت دادن بدعت به آنان.

نوع دیگر از مصادیق سنت و بدعت

غیر از مسائل موارد اختلاف فقها گاهی از راه دیگر میان مسلمانان اختلاف نظر در بدعت یا سنت بودن عملی رخ می‌دهد. مانند ادعیه خاص، اوراد و اذکار خاص یا روشهای خاص. در عزاداری، ولیمه دادن برای حج یا در مناسبتهای دیگر، مراسم و آداب معمولی ازدواج و بسیاری از این قبیل امور که اینک مورد تهاجم و هابیت قرار گرفته و آنها را بدعت می‌دانند. سخن حق در این باره آن است که اگر عملی در شریعت اصل دارد و شریعت برای آن آداب و مراسم خاصی ذکر نکرده، مسلمانها آزاد هستند آن اصل ثابت در شریعت را طبق آداب و رسوم خود انجام دهند، و نیز یک نفر پیشوای دینی حق دارد همان اصل کلی را به گونه خاصی دستور دهد مثلاً قرآن بر تلاوت قرآن، ذکر خدا، استغفار، توبه و امثال اینها تأکید فرموده است و همچنین این تأکید در روایات اسلامی به حد تواتر آمده است، حال اگر عالمی به پیروان خود دستور دهد، هر روز یک سوره قرآن بخوانند یا صد بار (الله اکبر) بگویند، یا صدبار توبه و استغفار کنند، آیا به دلیل اینکه این امور با این خصوصیت در شریعت نیامده، اینها بدعت است؟ ابدأ! زیرا همه اینها در شریعت اصل دارد و اسلام کیفیت عمل را به خود مسلمانها واگذارده است، البته که این کارها را به قصد ورود نباید انجام داد بلکه به قصد این که از مصادیق سنت است. در اینجا است که آداب و رسوم رایج میان مسلمانها که در شریعت اصل دارند از مصادیق بدعت شمرده نمی‌شوند. قرآن استغفار و استشفاع را در این آیه تجویز فرموده: «وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ جَاءُوكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ، لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَحِيمًا» (النساء / ۶۴) این آیه مسأله توشل به رسول اکرم را در آمرزش

گناهان در بردارد.

همچنین اصل تبرک در قرآن آمده است یوسف عَلَيْهِ السَّلَامُ به برادران خود می‌گوید: «اذْهَبُوا بِقَمِيصِي هَذَا فَأَلْقُوهُ عَلَىٰ وَجْهِ أَبِي يَأْتِ بِصِيرًا» (سوره یوسف / ۹۳) و نیز در تواریخ و سیره رسول اکرم، موارد تبرک جستن مردم به لباس یا موی یا جسد رسول اکرم فراوان دیده می‌شود، آیا این همه، دلیل بر اصل جواز تبرک جستن به انبیاء و اولیاء نیست؟ توسل به پیغمبر و خاندان وی رسم بوده، خلیفه دوم در نماز باران گفت: «خدایا ما در زمان رسول خدا به پیغمبر تو توسل می‌جستیم حالا به عموی او (عباس) توسل می‌شویم».

پس اصل این قبیل اعمال در شریعت وجود دارد، و لهذا از مصادیق سنت هستند نه بدعت. البته این قبیل کارها باید به صورت بت پرستی و خرافت در نیاید و علمای اسلام باید مواظب کارهای مسلمانها در این موارد باشند. باید به مردم تعلیم دهند که پیغمبر و اولیاء حاجت نمی‌دهند، بلکه این خدا است که بر اثر اظهار محبت مردم به پیغمبر و اولیاء الهی و توسل به ایشان، حاجت آنان را روا می‌کند. مسلماً پیراهن یوسف کوری یعقوب را بر طرف نکرد، بلکه خداوند به احترام و به برکت آن پیراهن، یعقوب را شفا داد و یا اثر خارق‌العاده به آن بخشید.

نقطه باریک و مبهم این بحث در همین جا است که آیا مردم، از خدا حاجت می‌خواهند یا از پیغمبر و امام و اولیاء؟ اگر شق دوم باشد مسلماً شرک است و اگر اول باشد عین توحید است زیرا از مصادیق دعا و استغفار است همراه توسل به آن بزرگان.

و هایت، در اینجا می‌گوید: بلی این کارها در حیات رسول خدا جایز بوده زیرا پیغمبر زنده بود اما بعد از وفات او جایز نیست بلکه شرک است!! در پاسخ باید گفت اگر با اظهار محبت به رسول خدا و توسل به او حاجت را از خدا می‌خواهند و خدا حاجتها را برمی‌آورد، دیگر فرقی میان حیات و ممات پیغمبر نیست زیرا محبت رسول خدا در حیات و ممات او واجب است و می‌تواند اظهار محبت به او در حال ممات هم باعث اجابت دعا از سوی خدا گردد.

کسی که میان موت و حیات پیغمبر فرق می‌گذارد گویا عقیده دارد که پیغمبر حاجت می‌دهد نه خدا و این عین شرک است، مفهوم این حرف آن است که شرک در حیات پیغمبر جایز است ولی بعد از ممات او دیگر جایز نیست. در حالی که شرک هیچ گاه جایز نیست: «إِنَّ

الله لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ» (سور النساء / ۴۸).

بلی صحابه و مسلمانها پس از موت پیغمبر به آثار او تبرک می جستند و عبدالله بن عمر هر گاه از کنار منبر پیغمبر می گذشت آن را با دست مسح می کرد، خلفای عباسی جامه رسول خدا را مایه برکت می دانستند، خلفای عثمانی آن جامه را تا زمان آخرین خلفای خود حفظ کردند و اینک آن جامه و نیز موی و دندان و عصای پیغمبر در موزه «تویقاپی سرای» استانبول جزء آثار نبوی حفظ می شود، در جاهای دیگر نیز آثاری از رسول خدا وجود دارد و مردم به آنها تبرک می جویند. باری، اگر این قبیل کارها شرک باشد نباید در شریعت اصلاً نمونه داشته باشد در حالی که گفتیم نمونه دارد پس شرک نیست و چون در شریعت اصل دارند بدعت هم نیستند.

بدعتها و محدثات ممدوح و مذموم

مسلماً هر چه پس از دوران رسول خدا از کارهای خوب و سنتهای خیر رسم شده بدعت نیست قبل از ذکر نمونه های فراوان این قبیل سنتها دو سخن از امام شافعی نقل می کنم: در کتاب جامع العلوم و الحکم تألیف ابن رجب ص ۳۳۷ آمده که امام شافعی گفت: «محدثات دو قسم اند آنچه مخالف کتاب و سنت یا مخالف اثر و اجماع باشد آن بدعت ضلالت است، اما آنچه از قبیل کارهای خیر است پس خلافتی در آن بین علما وجود ندارد که آنها بدعت حسنه اند، نه بدعت ضلالت و لازم است آنها را به سنت برگردانیم.» ابن رجب اضافه می کند: «مانند نوشتن حدیث که عمر از آن منع کرد ولی بیشتر علما آن را جایز دانستند و احادیثی از سنت را بر آن گواه گرفتند و مانند تفسیر قرآن، نوشتن فتوا در حلال و حرام، بحثهای دراز در معاملات و اعمال قلوب و امثال آنها که از صحابه و تابعین نقل شده است. اما امام احمد حنبل بیشتر آنها را مکروه دانسته است.»

کلام دیگر شافعی چنین است: «حافظ ابونعیم به اسناد خود از ابراهیم بن الجئید نقل کرده که از امام شافعی شنیدم که گفت: «بدعت دو قسم است: بدعت محمود و بدعت مذموم، پس آنچه موافق سنت است محمود و پسندیده و آنچه مخالف سنت است مذموم می باشد.» وی به قول خلیفه عمر استدلال کرده که راجع به نماز تراویح به جماعت گفت: «نعمت البدعة» (جامع العلوم والحکم ص ۳۳۷) در همین کتاب پس از نقل این قول از شافعی می گوید: مراد

شافعی آن است که بدعت مذموم آن است که در شریعت اصل ندارد و همین معنی در شریعت از لفظ بدعت اراده شده است. اما بدعت محمود، آن است که در شریعت اصل دارد.

نمونه‌های بدعت‌های ممدوح

ما می‌دانیم بنای مساجد، در عصر رسول اکرم بسیار ساده بوده و بجز دیواری کوتاه و سقفی از سعف خرما نبوده است، اما پس از آن حضرت تدریجاً مسجد پیغمبر توسعه یافت بنای آن مجلل گردید تا عصر حاضر، مسلمانان در سراسر کشورهای اسلامی مساجد بزرگ با زینت‌های فراوان ساختند، برای مساجد مناره‌های بلند فراهم آوردند، قرآن را به سی جزو و هر جزو را به ارباع و اعشار تقسیم کردند، قرآن را با خطوط زیبا و جلدهای گرانجا و سرلوحه‌های مذهب نوشتند، قرآن را با خط‌های گوناگون نوشته یا چاپ کردند. در اسلام مکانی برای درس و بحث علمی وجود نداشت. از قرن چهارم مدارس بزرگ از قبیل نظامیه‌ها بنا شد.

مدارس تحفیظ قرآن ساختند، قرآن را به قرائت‌های مختلف قرائت کردند، علوم ادبی را بنا نهادند، علم کلام را پدید آوردند، برای قرآن تفاسیر گوناگون و برای فقه روشها و کتابهای مختلف و مکتب‌های متفاوت پدید آوردند. از این قبیل امور نوپیدا فراوان است. آیا می‌توان همه اینها را بدعت و ضلالت دانست؟ مسلماً خیر، زیرا همه این امور در اسلام اصل دارد قرآن به عمارت مساجد فرمان می‌دهد ولی کیفیت آن را به سلیقه مسلمانها واگذار فرموده است و همچنین سایر امور یاد شده.

حال اگر همه این امور بی سابقه بدعت باشد باید همه مساجد و مآذن و مدارس را خراب کرد آیا وهابیت واقعاً به این امر راضی است و می‌خواهد آثار فرهنگی و تمدن اسلامی را از بین ببرد؟ نسبت به بناهای مذهبی صریحاً چیزی نمی‌گویند ولی نسبت به کلیه علوم عقلی، بلی خواست آنان چنین است که همه بدعت است و باید از بین برود. در حالی که پیشرفت علوم نتیجه اجتهاد و نظر علما بوده است و ما باید اعتراف کنیم به این که همه آراء و نظرات صحیح نیست در عین حال برای همه احترام قائل هستیم و همین نظرها و آراء گوناگون باعث نضج و پیشرفت علم گردیده است. کما این که پیشرفت تمدن اسلامی، آن همه بناهای زیبا و بی نظیر را فراهم آورده است و باید همه را حفظ کنیم.

سنت حسنه و سنت سيئه

همانطور که بدعت دو قسم است سنت هم دو قسم است. حدیث معروف نبوی «من سنَّ سُنَّةَ حَسَنَةً فَلَهُ أَجْرٌ مِّنْ عَمَلِ بِهَا وَمَنْ سَنَّ سُنَّةً سَيِّئَةً فَعَلَيْهِ وِزْرٌ مِّنْ عَمَلِ بِهَا» این حدیث در کتاب وسائل الشیعه^۱ به الفاظ مختلف آمده است. از آن حدیث دانسته می‌شود که مردم هم می‌توانند سنت برقرار کنند اگر سنت خوب باشد اجر دارد و اگر بد باشد گناه دارد. این حدیث را باید به همان معنی بدعت حسنه و بدعت ضلالت برگردانیم. مقصود آن است که اگر کسی سنتی را بنا نهد که در شریعت اصل دارد آن از مصادیق سنت است و کار خوبی است ولی اگر در شریعت اصل ندارد آن از مصادیق سنت بد و (بدعتِ ضلالت) است این حدیث کلیه کارهای خوب پدید آمده پس از عصر رسول خدا که شمه‌ای را بر شمرده داخل سنت و از شمول بدعت خارج می‌سازد.

آیا سنت خیری وجود دارد که در اصل شریعت نباشد؟ پس معنی حدیث آن است که اگر کسی همان سنت موجود در شریعت را به گونه‌های مختلف پیاده کند و رواج دهد این کار اجر زیاد دارد برابر اجر کسانی که تا روز قیامت به آن سنت عمل کنند. همچنین اگر سنتی را رواج دهد که در شریعت اصل ندارد برابر گناه کلیه کسانی که به آن عمل می‌کنند تا قیامت بر او خواهد بود.

مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

نتیجه

اینک بحث خود را در چند امر خلاصه می‌کنیم:

- ۱- آنچه در اسلام به گونه‌ای سابقه دارد سنت است نه بدعت و نه شرک.
- ۲- بدعت آن است که اصلاً در اسلام نمونه و نظیر نداشته باشد.
- ۳- اجتهاد مجتهدین هر چند هم صواب نیست ولی به لحاظ این که هر کدام برای خود دلیل قانع‌کننده‌ای دارند، نمی‌تواند بدعت شمرده شود (عجیب است که سلفی معروف عصر ما آقای شیخ ناصرالدین آلبنی ساکن اردن - همان‌طور که قبلاً گفته شد - کتابهایی در رد مذاهب فقهی نوشته و آراء آنها را بدعت نامیده است: (البدع عند الشافعية)، (البدع عند

۱- ج ۱۱/۴۳۶ ط اسلامیة.

الحنفیه) و هکذا، در حالی که آنچه را او بدعت می‌داند به اجتهاد و نظر علما استناد دارد و نمی‌تواند بدعت باشد هر چند اجتهاد آنان خطا باشد).

۴- بسیاری از آنچه را وهابیت در حال حاضر از مذاهب اسلامی و بخصوص از مذهب شیعه بدعت می‌داند، چون در شریعت اصل دارد و یا به اجتهاد مجتهدین استناد دارد بدعت نیست بلکه خود از مصادیق سنّت است.

۵- نسبت شرک دادن به کارهای معمول پیروان مذاهب صحیح نیست، بلکه اگر کسی آنها را خطا می‌داند موعظه کند و خطای مردم را روشن نماید. نسبت شرک نه صحیح است و نه مفید بلکه خود باعث مزید افتراق مسلمانها و دشمنی آنان با هم می‌گردد.

۶- بسیاری از نقطه‌نظرهای مختلف در جزئیات برمی‌گردد به اختلاف نظر در کلیات مانند آنچه گفتیم که اهل سنّت اقوال صحابه و شیعه اقوال عترت را حجت می‌دانند و تا این بحث حل نشود اختلاف در مسائل فرعی رفع نمی‌شود.

۷- اصل اجتهاد در شریعت اسلام مورد تصویب قرار گرفته پس نتایج آن هم باید پذیرفته شود یعنی اختلاف آراء مذاهب اسلامی چیزی جز اختلاف آراء در اصول یا در فروع نیست و چاره‌ای از پذیرفتن آنها وجود ندارد، کسانی که مذاهب را بدعت می‌دانند در حقیقت خود پایه مذهب جدید را گذارده‌اند که در آینده مسلماً به مذاهب مبدل خواهد شد. البته بسناپر مذهب امامیه یکی از آراء مختلف می‌تواند صواب باشد و مابقی خطا است.

۸- اگر از اجتهاد بطور صحیح بهره‌برداری گردد اختلاف آراء رحمت و باعث توسعه در عمل خواهد گردید، پس باید در فتح باب اجتهاد به طور صحیح کوشید. اجتهاد رحمت است نه نقت، باعث ائتلاف و وحدت است و نه مایه افتراق و خصومت. و ما شیعیان با استحکام مذهبمان نباید از این امر خوف داشته باشیم.

دیگر مذاهب نیز باید خود را از تنگنای موجود برهانند و باب اجتهاد را در مذهب خود باز کنند. از فتح باب اجتهاد، مذاهب ضرر نمی‌بینند بلکه رشد خواهند کرد.

والسلام علی من اتبع الهدی

محمد واعظ زاده خراسانی